

در عصر اطلاعات، دولت‌ها را نمی‌توان بسان جزیره‌های دورافتاده و منزوی تصور کرد؛ بلکه دولت‌ها هم‌چون اعضای یک جامعه، به هم تنیده و در تعامل‌اند. این تعامل، در چهره روابط شبکه بین‌المللی بسیار گسترده و پیچیده و در قالب روابط سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و... جلوه‌گر و قابل تشخیص است. در حقیقت، پیکربندی و ساخت جامعه بین‌المللی از تار و پود این‌گونه روابط شکل گرفته است که هر یک از واحدهای بین‌المللی، به رفتار همدیگر، بر اساس اصل به رسمیت‌شناختن و احترام به منافع ملی یکدیگر، سمت‌وسو می‌دهند؛ بدین معنا که در فضای بین‌الملل، واحدهای سیاسی در کنش و واکنش متقابل‌اند و رفتار کشورها به صورت منظم و پیوسته در حال تأثیرپذیری و تأثیرگذاری بر رفتار همدیگر می‌باشد که در ادبیات سیاسی، به این رفتارهای قاعده‌مند و معنادار واحدهای سیاسی، نظام بین‌المللی اطلاق می‌شود. در حقیقت، دولت‌ها متأثر از یک شرایط جبری، در چارچوب جامعه‌ای به نام نظام دولت‌ها، در صحنه بین‌الملل ایفای نقش می‌کنند.

حال با در نظر داشت نکات فوق، مردم افغانستان سال ۱۹۱۹ را سال کسب استقلال در روابط خارجی خود می‌دانند. پس از این مقطع تاریخی - با کمی فراز و نشیب - سه واژه استقلال، توسعه و عدم تعهد (بی‌طرفی)، محورهای بنیادی سیاست خارجی افغانستان را، تا حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، تشکیل داده بود. اگر بخواهیم یک نگاه منصفانه و به دور از تحلیل‌های شعاری - که عادت ما افغان‌ها شده است - به سیاست خارجی افغانستان در این بازه زمانی (۱۹۱۹-۲۰۰۱) داشته باشیم، به عیان می‌بینیم که سیاست خارجی ما بر مفروضات بی‌اساس و دور از واقعیت‌ها و

ضرورت‌های اجتماعی و توانای‌های سیاسی و اقتصادی استوار بوده است. در کنار این معضل دستگاه سیاست خارجی از فقدان یک تیم کارآمد و کارگزاران ورزیده رنج برده است. البته، بای در نظر داشت زمانی یک دولت می‌تواند سیاست خارجی مطمئن را در پیش گیرد که از پایه‌ها؛ وسیع مردمی برخوردار باشد؛ در حالی که، به گواه تاریخ، دولت‌های گذشته از چنین مزیت سرمایه کم‌تر بهره داشته‌اند. اما بعد از واقعه ۱۱ سپتامبر و گشوده شدن فصلی جدید در حیات سیاسی کشور- که از مهم‌ترین شاخص‌های این دوره، مشارکت همه اقوام در ساختار قدر است- دستگاه اجرایی سیاست خارجی، مطابق الزامات نظام‌های همه‌شمول و دموکراتیک، بای به‌طور کامل بازنگری و بازسازی شود تا بتواند تجلی اراده همه اقوام و جریان‌های سیاسی موجود کشور باشد؛ چرا که مهم‌ترین اهداف سیاست خارجی، تأمین منافع ملی و به حداکثر رساندن آن است. بر کسی پوشیده نیست که میزان کمیت و کیفیت تحصیل این هدف، بستگی ت به میزان همبستگی اجتماعی، قدرت نظامی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و توان بازیگری چانه‌زنی دیپلماتیک در صحنه بین‌الملل دارد تا بتواند به اهداف اصلی سیاست خارجی که حفظ موجودیت، تمامیت ارضی، رفاه ملی، امنیت ملی و کسب اعتبار است، نایل گردد.

اکنون، نظر به موقعیت ژئوپلتیک و ژئواکونومیک بین‌المللی و منطقه‌ای، افغانستان در محیه امنیتی نظام بین‌الملل از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و قدرت‌های بزرگ بین‌المللی و منطقه‌ای؛ به این درک رسیده‌اند که یکی از فاکتورهای وجود امنیت در حوزه منافع اقتصادی- سیاسی آنان جهت دستیابی به بازار مصرف و منابع طبیعی کشورهای آسیایی میانه و جنوب‌شرا آسیا، خاتمه‌بخشیدن به منازعه فرسایشی چندین‌دهه افغانستان است. در چنین شرایطی، سیاست خارجی افغانستان زمانی می‌تواند رویکرد معطوف به تأمین منافع ملی داشته باشد که از راهبر همگرایی (در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی) پیروی کند؛ آن‌هم با این دیدگاه که همگرایی فرایند است که از طریق آن، دولت‌ها و ملت‌ها به‌طور آزاد به سمت دستیابی به یک قدرت فوق‌ملم حرکت می‌کنند و در این راه از اعمال قدرت و سیاست‌های یک‌جانبه‌گرایی برای رسیدن ا هدف‌های مشترک صرف‌نظر می‌کنند.

بنیاد اندیشه، به‌عنوان یک مرکز تحقیقاتی جوان و پیش‌تاز در عرصه فعالیت‌های علمی- تحقیقی با راه‌اندازی فصل‌نامه‌ای به‌نام «نگاه معاصر در عرصه سیاست خارجی و روابط بین‌الملل»، دریچ جدیدی را برای گسترش و تعمیق دانش نظری در عرصه سیاست خارجی و روابط بین‌الملل



برای علاقه‌مندان و محققان در این حوزه گشوده است تا بستری باشد برای تبادل افکار، جهت غنابخشیدن به اندیشه ملی در حوزه سیاست خارجی و روابط بین‌الملل؛ چرا که در تدوین سیاست خارجی کارآمد و واقع‌بینانه، فاکتورهای موقعیت جغرافیایی، منافع ملی، توانایی‌ها، محدودیت‌ها و ظرفیت‌های ملی، از ایجاب‌های اصلی به حساب می‌آیند؛ از این رو، نگاه معاصر، با رویکرد کمک به مراکز پالیسی‌ساز و حلقه‌های تصمیم‌گیرنده سیاست خارجی، می‌کوشد بستری باشد برای برقراری روابط معنادار این دو حوزه؛ زیرا با تخصصی‌شدن رویکردها به مناسبات و روابط واحدهای سیاسی، ضرورت پیوند و ارتباط دوام‌دار بین مراکز تصمیم‌گیری با مراکز پژوهشی و تحقیقی، بیش از هر زمانی دیگر احساس می‌شود؛ بنابراین، فصل‌نامه نگاه معاصر، در راستای بسط و توسعه مباحث مفهوم سیاست خارجی و روابط بین‌الملل، چشم به راه آثار علمی شما فرهیختگان می‌باشد؛ زیرا بر آگاهان مسائل سیاسی پوشیده نیست که یکی از معضلات جدی مدیریت سیاست خارجی و تیم دیپلماسی کشور- جدای از فقدان مراکز پژوهشی- فقدان درک ضرورت چنین تعامل است.

سردبیر

بنیاد اندیشه

تأسیس ۱۳۹۴

